

در باره گزینه جمهوری خواهی و انتخابات آزاد

مهرداد درویش پور

گزارش سخنرانی در بروکسل

به دعوت جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لایک ایران - واحد بلژیک

درویش پور بدیل سازی در خارج و تشکیل دولت در تبعید و یا کنگره ملی ایرانیان با کمک قدرت های بیگانه را رد کرد و آنرا نوع آراسته تری از چلیسم خواند. در عین حال او تقلیل نقش اپوزیسیون خارج از کشور را به پشت جبهه داخل کشور نادرست دانست و بر ضرورت پیوند و نزدیکی اپوزیسیون داخل و خارج همچون دو پاره از پیکری واحد تاکید کرد.

روز جمعه ۲۰ ژوئیه دکتر مهرداد درویش پور، استاد جامعه شناسی دانشگاه در سوئد و عضو شورای هماهنگی جنبش جمهوری خواهان دموکراتیک و لایک ایران به دعوت جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لایک ایران- شاخه بلژیک در مرکز لائیسیته در بروکسل درباره گزینه جمهوری خواهی و انتخابات آزاد سخنرانی کرد و به معرفی دیدگاه های خود در این زمینه پرداخت. پیش از شروع سخنرانی آقای منوچهر سالکی گرداننده برنامه ضمن خوشامدگویی به حضار این جلسه را با یادی از محمد صدیق کبودوند آغاز کرد. او سپس در باره استقلال گرای مصدق و نقشی که این امر در اعتبار بخشیدن به او در تاریخ جامعه ایران ایفا کرد توضیحاتی داد. پس از آن علی اشرف مرادی مسئول شاخه بلژیک حزب دموکرات کردستان ایران درباره کبودوند و تاریخچه فعالیت های او و اعتصاب غذای نزدیک به دو ماه که او را با خطر مرگ در زندان های جمهوری اسلامی روبرو کرده است، سخن گفت و خواهان حمایت فعال ایرانیان خارج از کشور از کبودوند شد. پیش از شروع سخنرانی فیلمی نیز از تظاهرات گسترده پیشین ایرانیان بروکسل در پشتیبانی از جنبش سبز پخش شد که نشانگر آن بود زمانی که جنبش اعتراضی در ایران به حرکت در می آید و ایرانیان به گونه ای متحد عمل میکنند، چگونه توانایی برگزاری حرکت های با شکوه و گسترده را می یابند و شور و نشاط و باور به تغییر در همگان رشد میکند.

مهرداد درویش پور در ابتدا ضمن تشکر از گرداننده برنامه، حضار گرامی و به ویژه برگزارکننده گان - شاخه بروکسل جنبش جمهوری خواهان دمکرات و لائیک ایران و آقای انور میر ستاری - بابت دعوت او و سازماندهی سریع و چند روزه این برنامه، سخنان خود را با یادى از همه زندانیان سیاسى - عقیدتى در بند از جمله صدیق کبودوند، فریبرز رئیس دانا، نسرين ستوده، نرگس محمدی و عیسی سحرخیز آغاز کرد. پس از آن سخنران به معرفی دیگاه های خود در دوبرخش درباره این که چرا گزینه جمهوری خواهی را مطلوب ترین پروژه سیاسی برای گذار به دمکراسی میدانند و رابطه آن با انتخابات آزاد پرداخت و در پایان به پرسش حضار پاسخ داد. درویش پور تاکید کرد دعوتش به بروکسل و سخنانش نه در نفی و تخطئه پروژه های دیگر بلکه بیشتر گفتگویی برای دست یابی به رهیافتی اثباتی است. از این رو تشکیل کنفرانس های بزرگ و زنجیره ای جمهوری خواهی را گامی مناسب تر از منفی گرایی نسبت به پروژه های دیگر خواند و آرزو کرد که بروکسل میزبان نخستین کنفرانس بزرگ جمهوری خواهان باشد.

در ابتدا سخنران به معرفی سه شکل اقتدار سنتی، کاریسماتیک و عقلانی در نظام های سیاسی پرداخت. او گفت در اقتدار سنتی همچون نظام سلطنت مطلقه، مشروعیت نظام محصول سنتی است که بنا بر آن فرزند مذکر به تخت قدرت می نشیند و مردم فاقد حق رای و انتخاب هستند. در اقتدار کاریسماتیک (فره مندی) همچون حکومت های فاشیستی، استالینیستی و جمهوری اسلامی ایران حضور مردم بخشی از پایه مشروعیت است. اما این حضور نه با حق انتخاب و تعویض رهبری، بلکه با گرویدن به رهبر و ایده او و خود سپاری عاطفی همراه است. رابطه رمه - شبانی شالوده این نظام است. در اقتدارهای کاریسماتیک، کلام رهبر برتر از قانون است. اقتدار عقلانی که ویژه گی نظام های سیاسی در جامعه مدرن است بر دمکراسی، محاسبه و سودمندی، حق انتخاب و تعویض استوار است. به نظر درویش پور با تجربه شدن استبداد سلطنتی و دینی که نمادهای اقتدارهای سنتی و کاریسماتیک بوده اند، زمینه گذار به اقتدار عقلانی در ایران که نظام جمهوری مبتنی بر جدایی دین و دولت و دمکراسی پارلمانی نماد آن است رشد یافته است.

این جامعه شناس اضافه کرد در برخی از کشورها گذار به اقتدار عقلانی با استقرار جمهوری عرفی همراه نشده است، بلکه محصول فرایند سازش بین نیروهای دمکراسی خواه و اقتدار پادشاهی بوده است که در قالب نظام های مشروطه بازتاب یافته اند. در ایران اما این فرایند

ناکام ماند. انقلاب مشروطه و حکومت مصدق دو نمونه از کوشش برای پیش برد این پروژه بود. اما نظام پهلوی با عقیم گذاشتن و سرکوب پروژه مشروطه خواهی، شانس گذار به اقتدار عقلانی از طریق چنین سازشی را از بین برد. برجیدن اقتدار سنتی پادشاهی نیز با گذار به اقتدار عقلانی همراه نشد، بلکه به استبداد دینی و نظامی تمام خواه منجر گشت که گرچه پاره ای از عناصر جمهوریت در آن به گونه ای عمدتاً صوری به چشم می خورد، اما نظام ولایت فقیه بیشتر رد پای گذشته و استقرار نوعی از سلطانیسم را به نمایش می گذارد.

به نظر سخنران اصلاح طلبی دینی تلاشی دیگر برای دست یابی به اقتدار عقلانی از طریق سازش دمکراسی با نظام ولایت فقیه، با حرکت گام به گام و با هدف اصلاح نظام و مشروطه ساختن آن و متحقق کردن "حکومت دمکراتیک دینی" بوده است. این استاد دانشگاه در سوئد اضافه کرد صرف نظر از متناقض بودن حاکمیت دینی با دمکراسی، تجربه نیز ناکاری و ناکامی این پروژه را به نمایش گذاشت. به نظر درویش پور هم نیروهایی که در پی مشروطه کردن نظامی پادشاهی در ایران بودند و هم اصلاح طلبانی که در پی مشروطه کردن ولایت فقیه اند، در متحقق ساختن پروژه های خود ناکام ماندند. هم از این رو نیروهای مشروطه خواه دوران پهلوی همچون جبهه ملی امروزه اساساً جمهوری خواه شده اند و بخشی از اصلاح طلبان رادیکال نیز با شکست پروژه مشروطه خواهی دینی، به پروژه جمهوری خواهی مبتنی بر جدایی دین و دولت نزدیک شده اند. درویش پور تأکید کرد عصر مشروطه خواهی همچون پروژه ای سیاسی به پایان رسیده است و تلاش برای احیای نظام سلطنتی، بیشتر گرایش به احیای اقتدار موروثی است. رادیکال ترین اصلاح طلبان نیز در رویارویی با بنیادگرایان تا زمانی که در پی مشروطه کردن اقتدار دینی اند در بهترین حالت نوعی "توهم ترقی خواهانه" را به نمایش می گذارند و محافظه کارترین آنها جز حافظان "ملایم تر" تئوکراسی به شمار نمیروند.

✘ این عضو شورای هماهنگی جمهوری خواهان دمکرات ولایتی ایران تأکید کرد که جمهوری خواهی تنها پروژه ای در باب شکل حکومت نیست، بلکه گرایش سیاسی و فرآیندی است که از نزدیکی سه خانواده سیاسی در ایران - چپ های دمکرات، ملی گرایان و دین باوران لائیک- با فاصله گیری و نفی اقتدارهای موروثی، دینی و مسلکی پدید آمده است. او اشاره کرد گروه های اتنیکی نیز اساساً جمهوری خواه و طرفدار جدایی دین و دولتند و بخشی از خانواده جمهوری خواهان به شمار میروند و از آنجا که بسیاری از جمهوری خواهان مخالف تبعیض جنسیتی، دینی و

اتنیکی اند، گروه های اتنیک های تحت ستم به مراتب با جمهوری خواهان نزدیک ترند تا نیروهایی که اصولاً به وجود چنین ستمی در جامعه ایران باور ندارند .

مهرداد درویش پور تاکید کرد جمهوری خواهی نماد صدای سوم است که در تضاد بین بنیادگرایان و اصلاح طلبان در چگونگی اداره نظام حاکم، پروژه ای ساختارشکن، سکولار و لائیک است که خواهان عبور از هر نوع اقتدار دینی است. در عین حال جمهوری خواهان معرف پروژه ای هستند که در نفی استبداد دینی و سلطنتی، با تکیه بر جمهوریت، جدایی دین و دولت و دمکراسی پارلمانی، صدای سوم را به نمایش می گذارند. همچنین به نظر سخنران بخش عمده جامعه جمهوری خواه به امکان پذیری اصلاح نظام و یا انقلابات از نوع کلاسیک آن که ایدئولوژی گرایی و توسل به روشهای قهری ویژه گی آن است باور ندارد، بلکه بیشتر بر رویکرد "تحول طلبی"، مطالبه محوری و "براندازی نرم" و تغییر مسالمت آمیز نظام تکیه میکند و از این نظر نیز صدای سوم به شمار می آید. درویش پور تاکید کرد بخش عمده جمهوری خواهان نیز با نه گفتن به جمهوری اسلامی از یک سو و میلیتاریسم و حمله نظامی از سوی دیگر صدای سوم را تقویت میکنند. به نظر او جمهوری خواهان برغم ساختارشکن بودنشان به دلیل گرایش به اعتدال سیاسی، در مقایسه با پروژه های خشونت طلبانه از جذابیت بیشتری برخوردارند. از نظر او جمهوری خواهان گرایشی در اپوزیسیون هستند که از این موقعیت و امتیاز برخوردارند که گروه بندی های دیگر از اصلاح طلبان دینی گرفته تا هواداران پادشاهی، کمونیست ها، مجاهدین و گروه های اتنیکی قادر به تعامل و یا تحمل آنانند. حال آن که برآمد پروژه های دیگر می تواند بسیج و رویارویی دیگر نیروها را علیه خود موجب شوند و یا حتی به جنگ داخلی بیانجامد.

از اینرو سخنران گزینه جمهوری خواهی را مطلوب ترین و کم دافعه ترین گزینه برای عبور از جمهوری اسلامی ایران و گذار به دمکراسی خواند و تاکید کرد اولویت جمهوری خواهان می بایست تشکیل جبهه و قطب بزرگ جمهوری خواهی باشد که در پی آن مردم در رقابت سالم این پروژه با دیگر پروژه ها حق انتخاب داشته باشند. شکل گیری چنین قطبی اجازه میدهد تا رابطه با دیگر پروژه ها و قطب ها نیز به گونه ای شفاف تر و مدنی تر روشن شود. سخنران همچنین به برخی موانع تشکیل بلوک بزرگ جمهوری خواهی اشاره کرد. پراکنده گی، رد پای نیروی عادت به درجا زدن در تکرار گذشته و به خود مشغول شدن، خود محوری، انزواجویی و سکتاریسم، منگنه شدن در میان قطب های

دیگر، ضعف امکانات مالی و رسانه ای را از جمله کمبودهایی دانست که امکان تبدیل جمهوری خواهان را به بدیلی بلامنازع با تمام جذابیت های آنان محدود ساخته است.

✘ در بخش دوم سخنران به انتخابات آزاد پرداخت و آنرا رویکردی سوم به جای التزام به قانون اساسی و یا دفاع از حمله نظامی و روش های خشونت بار برای تغییر نظام دانست. درویش پور تاکید کرد حکومتی که نخست وزیر خود را تحمل نکرده است، به انتخابات آزاد تن نخواهد داد و اصولا انتخابات آزاد در نظامی مبتنی بر تبعیض و ساختاری تئوکراتیک ناممکن است. از اینرو برگزاری یک انتخابات واقعا آزاد را درگرو تغییر قانون اساسی موجود و تشکیل مجلس موسسان دانست. وی اشاره کرد اما تجربه لهستان، آفریقای جنوبی، شیلی و کشورهای دیگر نمونه هایی بدست می دهند که در شرایط رشد جنبش های اجتماعی ممکن است نوعی از قدرت دوگانه در کشور شکل گیرد و برگزاری انتخاباتی که با موازین انتخابات کاملا آزاد هم خوانی کامل ندارد، توانسته است به پایان دادن مسالمت آمیز عمر آن حکومت ها منجر شود. آیا در ایران با سرنگونی جمهوری اسلامی ایران در پی قیام مردم و یا حمله نظامی انتخابات آزاد برگزار خواهد شد؟ یا با افزایش فشار سیاسی بین المللی، برآمد جنبش توده ای و افزایش شکاف در حکومت دوگانه ای در کشور شکل خواهد گرفت که در آن شرایط انتخابات کم و بیش آزاد خود راه پایان بخشیدن به عمر استبداد دینی در ایران و تغییر مسالمت آمیز خواهد شد؟ از نظر درویش پور این امری است که بستگی به عکس العمل حکومت و شرایط روز دارد و از اکنون نمی توان آنرا پیش بینی کرد. اما از آنجا که شعار انتخابات آزاد ضمن ساختار شکنی، شعاری فراگیر، دمکراتیک و مسالمت آمیز است و در جامعه تولید وحشت نمی کند، باید بر آن پافشاری کرد. از نظر او انتخابات آزاد شعاری است که به جای نفی به گونه ای ایجابی راه حل پیش رو می گذارد و امکان یک هم‌رایی عمومی را نیز فراهم می کند و نشان گر آن است که ما در پی حذف هیچ نیرویی نیستیم و هر نیرو متناسب با وزن خود در سرنوشت کشور سهم خواهد بود.

درویش پور بدیل سازی در خارج و تشکیل دولت در تبعید و یا کنگره ملی ایرانیان با کمک قدرت های بیگانه را رد کرد و آنرا نوع آراسته تری از چلیبسم خواند. در عین حال او تقلیل نقش اپوزیسیون خارج از کشور را به پشت جبهه داخل کشور نادرست دانست و بر ضرورت پیوند و نزدیکی اپوزیسیون داخل و خارج همچون دو پاره از پیکری واحد تاکید کرد. او رویکرد به جنبش های اجتماعی (همچون زنان،

کارگری، دانشجویی، جنبش های اتنیکی)، سازماندهی نهادهای مدنی و دامن زدن به اعتراضات سیاسی اجتماعی در درون کشور و حمایت فعال از آنان، تشکیل بلوک نیرومندی از جمهوری خواهان وفادار به جدایی دین و دولت و دمکراسی و مخالف جنگ و تلاش برای جلب حمایت بین المللی در دفاع از حقوق بشر در ایران را شالوده رویکرد سوم دانست. درویش پور جلب حمایت بین المللی در دفاع از حقوق بشر در ایران و افزایش فشار سیاسی به حکومت را امری مثبت دانست. اما تبدیل شدن به ابزار پیشبرد اهداف قدرت های خارجی را امری دیگر خواند که با آن به شدت مخالفت کرد و چنین رابطه ای را موجب بی اعتباری کسانی که در پی چنین روابطی هستند، دانست. از این رو درویش پور به همکاری با نیروهای راست نئوکانهها در آمریکا و هم فکرانشان را مورد انتقاد قرار داد.

در پایان سخنران به پرسش های شرکت کنندگان پاسخ داد که در ویدیوی زیر می توانید گوشه ای از سخنرانی و پرسش و پاسخ را مشاهده کنید.

در این جلسه چهره های فرهنگی، سیاسی و دانشگاهی شناخته شده و برجسته ایرانی مقیم بروکسل نیز شرکت داشتند. گروهی نیز از طریق پالتاک به این سخنرانی گوش فرا دادند.

گزارش از جنبش جمهوری خواهان دمکرات و لائیک ایران - واحد بلژیک

به گزارش تصویری این برنامه نگاه کنید:

<http://www.youtube.com/watch?v=xjayNoEsM2s>